



رابطه راهبردهای سازگارانۀ تنظیم هیجان با سو استفاده عاطفی، فیزیکی، غفلت عاطفی، جسمی در کودکی، عملکرد انعکاسی و سبک‌های دلبستگی در نوجوانان

فاطمه سلطانی^۱ و بابک پویاناسب^۲

۱ و ۲ گروه روان‌شناسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطۀ راهبردهای سازگارانۀ تنظیم هیجان با سوء استفاده عاطفی و فیزیکی و غفلت عاطفی و جسمی در کودکی، عملکرد انعکاسی و سبک‌های دلبستگی در نوجوانان انجام شد و تحقیق از نوع توصیفی و همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه نوجوانان محصل در مدارس اراک در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ تشکیل دادند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان گارنفسکی و کرایچ (۲۰۰۶)، پرسشنامه ترومای دوران کودکی برنستاین و همکاران (۲۰۰۳)، پرسشنامه عملکرد انعکاسی فوناگی و همکاران (۲۰۱۶) و پرسشنامه سبک‌های دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰) استفاده شد. سپس فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون تک متغیره و رگرسیون چند متغیره به روش همزمان بررسی شدند. یافته‌ها نشان داد متغیر سوء استفاده عاطفی-فیزیکی، غفلت عاطفی-جسمی و سبک دلبستگی دوسوگرا با راهبردهای سازگارانۀ تنظیم هیجان رابطۀ منفی و معنادار داشتند. عملکرد انعکاسی با راهبردهای سازگارانۀ تنظیم هیجان رابطۀ مثبت و معنادار داشت. سبک دلبستگی ایمن با راهبردهای سازگارانۀ رابطۀ نامعناداری نشان داد. همچنین یافته‌ها نشان داد ۱۴/۹ درصد از واریانس راهبردهای سازگارانۀ براساس متغیرهای سوء استفاده عاطفی-فیزیکی، غفلت عاطفی-جسمی، عملکرد انعکاسی و سبک‌های دلبستگی تبیین می‌گردد که نشان‌دهنده مناسب بودن مدل رگرسیونی ارائه شده بود.

واژگان کلیدی: تنظیم هیجان، سو استفاده عاطفی و فیزیکی و غفلت عاطفی و جسمی در کودکی، عملکرد انعکاسی، سبک‌های دلبستگی

مقدمه



از مهم‌ترین دوران زندگی فرد، میتوان به نوجوانی اشاره کرد. زیرا در این دوران، فرد با چالش‌ها و بحران‌های زیادی مواجه می‌شود. دوره نوجوانی حد فاصل و مرحله گذر از کودکی به جوانی و بزرگسالی است (عاشوری و جمال، ۱۳۹۴). روانشناسان، نوجوانی را تولد دوم می‌نامند (دوگرا و همکاران، ۲۰۲۴). نوجوانی حدود سنین ۱۰ تا ۱۹ سال را در بر می‌گیرد. با این وجود، سنین متفاوتی برای پایان این دوره توسط جوامع فرهنگی مختلف تعیین شده است. در همه جوامع، نوجوانان بخش قابل توجهی از جمعیت را تشکیل می‌دهند که در ایران بیش از ۱۴ درصد جمعیت کشور را شامل می‌شود (حسنلو و همکاران، ۱۴۰۱). تغییرات دوره نوجوانی، مراحل بعدی زندگی فرد از جمله جوانی، بزرگسالی و پیری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این تغییرات می‌تواند چالش‌های روانی ایجاد کند که تأثیر عمده‌ای بر روان نوجوانان دارد (هاگبورگ و همکاران، ۲۰۲۲). نوجوانی یک دوره پویا برای توسعه تنظیم شناختی هیجان^۱ است، که مجموعه‌ای از مهارت‌های ضمنی و آشکار است که می‌تواند برای نظارت، ارزیابی و اصلاح پاسخ‌های عاطفی، مطابق با اهداف فرد مورد استفاده قرار گیرد (زائورسکا و همکاران، ۲۰۲۰).

تنظیم شناختی هیجان در مرحله نوجوانی به نوجوانان این امکان را می‌دهد که در مواجهه با تغییرات و نیازهای فعلی، با انعطاف واکنش نشان دهند که این انعطاف‌پذیری با سلامت روان ارتباط دارد و همبستگی بالایی را ایجاد می‌کند (زرنندی، ۱۴۰۲). یکی از عوامل کلیدی در تعیین سلامتی افراد و داشتن عملکرد موفق در تعاملات اجتماعی، تنظیم شناختی هیجان است، که نقص در عملکرد آن با اختلالات درون‌ریز^۲ مثل اضطراب، افسردگی و انزوای اجتماعی و همچنین اختلالات برون‌ریز^۳ مثل رفتارهای پر خاشگروانه و بزهکاری رابطه دارد (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۷).

راهبردهای تنظیم شناختی هیجان شامل راهبردهای سازگار و ناسازگارانه^۴ میشوند. افرادی که از راهبردهای ناسازگارانه مانند نشخوار فکری^۵، فاجعه‌پنداری^۶، سرزنش دیگران^۷ و سرزنش خود^۸ استفاده می‌کنند، در

^۱Cognitive Emotion Regulation

^۲ Endocrine Disorders

^۳ Exocrine Disorders

^۴ Compromised and Non-Compromised Strategies

^۵ Rumination

^۶ Catastrophizing

^۷ Blaming Others

^۸ Blame Yourself



مقایسه با افرادی که از راهبردهای سازگارانه مانند تمرکز مجدد مثبت^۱، دیدگاه‌گیری^۲ و تمرکز مبتنی بر برنامه‌ریزی^۳، استفاده می‌کنند در برابر پریشانی‌های روانی آسیب‌پذیرترند. (انبارکی و همکاران، ۱۴۰۰) به این ترتیب، هیجان‌های منفی با فراخوانی پاسخ‌های کلیشه‌ای، زمینه انحراف توجه به نگرانی‌ها و محرک‌های درونی را ایجاد می‌کنند؛ اما هیجان‌های مثبت موجب بهره‌گیری از راهبردهای سازگارانه‌تر و حمایت‌های محیطی گوناگون می‌شوند (مصباحی و همکاران، ۱۳۹۹). راهبردهای تنظیم‌شناختی هیجانی می‌توانند با تأثیرگذاری بر روی کنترل، تعدیل کردن، مدیریت و تنظیم هیجانات در موقعیت‌های استرس‌زا بر بهزیستی روانشناختی افراد تأثیر بگذارند، همچنین تنظیم‌شناختی هیجان با سلامت روانی، عاطفی، اجتماعی و آموزشی نوجوانان ارتباط مثبت دارد و عاملی حیاتی در تعیین سلامت روان و بهزیستی روانشناختی و عملکرد موفق در تعاملات اجتماعی افراد می‌باشد (وازنیاک و همکاران، ۲۰۲۲).

شواهد نشان می‌دهد که تنظیم‌شناختی هیجانی با موفقیت یا شکست در عرصه‌های مختلف زندگی مرتبط است و نقش مهمی در مقابله با رویدادهای استرس‌زا زندگی دارد. همچنین توانایی افراد در تنظیم هیجانات بر روی شادی روانی و روابط بین فردی آن‌ها تأثیرگذار است. افراط و تفریط در هیجان‌ها و همچنین ناتوانی در مهار کردن آن‌ها منجر به افزایش نفرت، خشونت، پرخاشگری و اضطراب می‌شود و در فرایند سازگاری، سلامت روانی و عاطفی فرد خلل ایجاد کرده و آن را تهدید می‌کند. لازمهٔ مداخله در مشکلات هیجانی، اصلاح یا حذف راهبردهای ناسازگار و آموزش راهبردهای سازگارانه است (طالبی و همکاران، ۱۴۰۱) اشاره شده که دشواری در تنظیم‌شناختی هیجان نقش کلیدی در سو استفاده عاطفی و فیزیکی و غفلت عاطفی و جسمی در کودکی (که اصطلاحاً ترومای کودکی نامیده می‌شود) و تحریف‌های شناختی دارد؛ به عبارتی تنظیم‌شناختی هیجان می‌تواند به طور مستقیم و معنادار ترومای دوران کودکی را پیشبینی کند (خسروی و پژوهش، ۱۳۹۶).

از عوامل تأثیرگذار بر روی تنظیم‌شناختی هیجانی افراد بدرفتاری با کودک است، که خطرات قابل توجهی را بر روی ناسازگاری در حوزه‌های بیولوژیکی، اجتماعی و روانی رشد از کودکی تا بزرگسالی ایجاد می‌کند.

¹ Positive Refocusing

² Putting Into Perspective

³ Planning

کند. بدرفتاری با کودک معمولاً به دو زیرمجموعه تقسیم می‌شود: اقدامات حذفی که شامل (غفلت عاطفی و فیزیکی^۱) و اقدامات عملی شامل (سوءاستفاده فیزیکی، عاطفی و جنسی^۲) می‌باشد (عباسی و همکاران، ۱۴۰۰). مطالعات نشان می‌دهد که آسیب‌های دوران کودکی منجر به ایجاد مشکلات اولیه تنظیم هیجان می‌شوند یا زمینه اختلال در تنظیم شناختی هیجان در مراحل بعدی زندگی افراد را فراهم می‌کند. افراد مبتلا به سوءاستفاده یا غفلت شدید دوران کودکی، استراتژی‌های تنظیم هیجان ناسازگار بیشتری را در بزرگسالی در مقایسه با افراد بدون سابقه بدرفتاری در دوران کودکی گزارش می‌دهند (زاراسکا و همکاران، ۲۰۲۰). مطالعات نشان می‌دهد که نوجوانانی که در زندگی‌شان در معرض کودک‌آزاری قرار گرفته‌اند، در مقایسه با افراد بدون سابقه تروما، توانایی تنظیم شناختی هیجان بدتری نشان می‌دهند و مشکلات سلامت روان در آن‌ها روبه افزایش است. همچنین این یافته‌ها بر اهمیت ارزیابی توانایی‌های تنظیم شناختی هیجان خصوصاً در نوجوانانی که در معرض سوءاستفاده قرار دارند برای پیشگیری از مشکلات احتمالی تأکید می‌کند (جان و همکاران، ۲۰۱۷). یکی از مهمترین متغیرهای روانشناختی سبک دلبستگی^۳ است. دلبستگی از دوران نوزادی شروع می‌شود و با گذشت زمان تقویت می‌شود. سبک دلبستگی یکی از مهمترین عوامل تعیین‌کننده روابط بین فردی است که از دوران کودکی شروع می‌شود و با توجه به محیطی که نوزاد در آن رشد یافته تا سنین بعدی ادامه پیدا می‌کند. نظریه پردازان دلبستگی، سه سبک عمده دلبستگی ایمن، دوسوگرا و اجتنابی^۴ را معرفی کرده‌اند (زرندی، ۱۴۰۲). تحقیقات در مورد فرایند رشد و تحول هیجانی افراد نشان داده است که مهارت‌های کنترل و تنظیم هیجان و همچنین کنترل تکانه، ابتدا در بستر رابطه کودک و والدی شکل می‌گیرد. در واقع، دلبستگی اولیه در کنترل هیجانات افراد در دوران نوجوانی و بزرگسالی نقش بسیار حیاتی را ایفا می‌کند (دادفرنیا و همکاران، ۱۳۹۹). تحقیقات نشان داده است که سبک‌های دلبستگی با راهبردهای تنظیم هیجانی مرتبط هستند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سبک‌های دلبستگی ناایمن و آشفته با راهبردهای تنظیم هیجانی خاص ارتباط دارند (دروگر و همکاران، ۲۰۲۰) از نظر دیدگاه رشدی ارتباط نزدیکی بین عملکرد انعکاسی و سبک دلبستگی

¹ Emotional and Physical Neglect

² Physical, Emotional and Sexual Abuse

³ Attachment Styles

⁴ Secure, Ambivalent, Avoidant Attachment



ایمن وجود دارد و قابلیت ذهنی سازی در عملکرد انعکاسی که مربوط به گسترش توانایی فرد در فکر کردن در مورد احساس ها و نیت های دیگران به طور قابل توجهی با سبک‌های دلبستگی دوران کودکی در ارتباط است (روسو، ۲۰۲۲). عملکرد انعکاسی^۱ یا ذهنی سازی^۲ یکی از موضوعات مهمی است که افراد در دوران نوجوانی با آن مواجه میشوند. برای اولین بار، اصطلاح عملکرد انعکاسی توسط فونگی و بیتمن^۳ پس از کار بر روی اختلال شخصیت مرزی و دلبستگی والد-کودک^۴ عنوان شد (مصباحی و همکاران، ۱۳۹۹). عملکرد انعکاسی یا ذهنی سازی این توانایی را به افراد می دهد که حالت های ذهنی خود و دیگران را درک کند، در نتیجه آنها را معنی دار، قابل فهم و قابل پیش بینی می کند که وسیله ای برای هدایت افراد در جهان پیرامون است (استورمن و همکاران، ۲۰۲۲). ظرفیت ذهنی سازی عامل تعیین کننده مهمی در سازماندهی خود و گسترش ظرفیت تنظیم شناختی هیجان می باشد؛ بنابراین خود و ظرفیت تنظیم آن و به تبع آن تنظیم هیجان از طریق تعامل در روابط بین فردی شکل می گیرند. ذهنی سازی برای فرد ظرفیتی ایجاد میکند تا واقعیت درونی و بیرونی را تشخیص دهد و فرآیندهای ذهنی و هیجانی درون روانی را از تعاملهای بین فردی متمایز کند (کریستیانسن و همکاران، ۲۰۲۰).

با توجه به اینکه راهبردهای سازگارانۀ ظیم شناختی هیجان میتواند با سوء استفاده عاطفی، فیزیکی، غفلت عاطفی، جسمی در کودکی، عملکرد انعکاسی و سبک های دلبستگی بر روی یک دیگر اثر داشته باشند همچنین با در نظر گرفتن تاثیرات منفی که سوء استفاده عاطفی، فیزیکی، غفلت عاطفی، جسمی در کودکی بر فرد و جامعه میگذارد و پیامدهای آن و با توجه به اینکه پژوهشی در این زمینه در ایران انجام نشده است، از این رو پژوهش حاضر درصدد آن است به بررسی این مولفه ها و ارتباط آنها با راهبردهای سازگارانۀ تنظیم شناختی هیجان نوجوانان بپردازد.

مواد و روش کار

¹ Reflective Functioning

² Mentalization

³ Fonagy and Bateman

⁴ Parent-Child Attachment



انتخاب شد که با توجه به معیارهای خروج ۳۸۴ در پژوهش باقی ماندند. به منظور ارزیابی فرضیه‌های پژوهش از روش آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چند متغیره به روش همزمان استفاده شده است. نرم افزار استفاده شده جهت تحلیل‌های آماری نرم افزار اسپس^۱ نسخه ۲۶ است. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان گارنفسکی و کرایچ (۲۰۰۶)، پرسشنامه ترومای دوران کودکی برنستاین و همکاران (۲۰۰۳)، پرسشنامه عملکرد انعکاسی فوناگی و همکاران (۲۰۱۶) و پرسشنامه سبک‌های دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰) استفاده شد. شرکت‌کنندگان در پژوهش به صورت کاملاً داوطلبانه در پژوهش شرکت نمودند. کسب رضایت آگاهانه و محرمانه ماندن اطلاعات و نتایج آزمون‌هایشان، از دیگر اصول اخلاقی رعایت شده در تحقیق بود.

پرسشنامه تنظیم هیجان^۲

این پرسشنامه در سال ۲۰۰۶ توسط گارنفسکی و کرایچ^۳ ساخته شد. پرسشنامه حاضر با ۹ مولفه به بررسی استراتژی‌های شناختی که سبک واکنش به رویداد‌های استرس‌آمیز افراد را مشخص می‌کند. راهبرد شناختی تنظیم هیجان در پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان به دو دسته کلی راهبردهای سازش یافته (سازگارانه) و راهبردهای غیرانطباقی (ناسازگارانه) تقسیم می‌شوند. زیرمقیاس‌های کم‌اهمیت شماری، تمرکز مجدد مثبت، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش و تمرکز مجدد بر برنامه ریزی؛ راهبردهای سازش یافته و زیرمقیاس‌های خودسرزنشگری، دیگر سرزنشگری، تمرکز بر فکر/نشخوارگری و فاجعه‌نمایی؛ راهبردهای سازش نیافته را تشکیل می‌دهد. این پرسشنامه توسط بشارت (۱۳۹۵) هنجاریابی شده است. بر اساس نتایج پژوهش بشارت و بزازیان فرم ۱۸ گویه‌ای پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان برای سنجش راهبردهای مقابله‌ای شناختی در نمونه‌های ایرانی از پایایی و روایی کافی برخوردار بوده و آلفای کرونباخ بین ۰/۷۸ تا ۰/۹۳ گزارش شده است. در مطالعه حاضر پایایی این ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ برای راهبردهای سازگارانه و ناسازگارانه به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۸۲ حاصل شد (محمدعلی و سعیده، ۱۳۹۲).

^۱ SPSS

^۲ Emotion Regulation Questionnaire

^۳ Garnefski and Keraaji



پرسشنامه ترومای دوران کودکی^۱ برای سنجش سو استفاده عاطفی و فیزیکی و غفلت عاطفی و جسمی در کودکی

پرسشنامه ترومای دوران کودکی به منظور سنجش آسیب‌ها و ترومای دوران کودکی توسعه داده شده است. این پرسشنامه یک ابزار غربالگری برای آشکار کردن اشخاص دارای تجربیات سوء استفاده و غفلت دوران کودکی است. این پرسشنامه هم برای بزرگسالان و هم برای نوجوانان قابل استفاده است. این پرسشنامه چهار نوع از بد رفتاری در دوران کودکی را مورد سنجش قرار می‌دهد که عبارتند از سوء استفاده جسمی، سوء استفاده عاطفی، و غفلت عاطفی و جسمی. این پرسشنامه ۲۳ سوال دارد که ۲۰ سوال آن برای سنجش مولفه‌های اصلی پرسشنامه بکار می‌رود و ۳ سوال آن برای تشخیص افرادی که مشکلات دوران کودکی خود را انکار می‌کنند بکار می‌رود. در پژوهش برنستاین و همکاران (۲۰۰۳) ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه بر روی گروهی از نوجوانان برای ابعاد سوء استفاده عاطفی، سوء استفاده جسمی، غفلت عاطفی و غفلت عاطفی به ترتیب برابر با ۰/۸۷، ۰/۸۶، ۰/۸۹، و ۰/۷۸ بود. همچنین روایی همزمان آن با درجه بندی درمانگران از میزان تروماهای کودکی در دامنه ۰/۵۹ تا ۰/۷۸ گزارش شده است در ایران نیز ابراهیمی، دژکام و ثقه السلام آلفای کرونباخ این پرسشنامه را از ۰/۸۱ تا ۰/۹۸ برای مولفه‌های پنج‌گانه آن گزارش کرده‌اند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۲)

پرسشنامه عملکرد انعکاسی^۲

پرسشنامه عملکرد بازتابی توسط فوناگی، لوتن، مولتون، لی، وارن، هووارد، چای‌نای، فی‌آرون و لایسک^۳ در سال ۲۰۱۶ با هدف ارزیابی توانایی ذهنی‌سازی طراحی شده است (فوناگی و همکاران، ۲۰۱۶) این پرسشنامه در نسخه اصلی دارای ۲۶ سؤال و ۲ خرده‌مقیاس بوده اما در ایران توسط دروگر، فتحی‌آشتیانی و اشرفی (۱۳۹۹) روی دانشجویان اعتباریابی و پایایی سنجی شد و با ۱۴ سؤال و ۲ خرده‌مقیاس نسخه فارسی آن تهیه شد که به شرح ذیل است: عامل اول: اطمینان ۹ سؤال: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۹. عامل دوم: عدم اطمینان ۵ سؤال: ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴. نمره‌گذاری این پرسشنامه استفاده از طیف لیکرت ۷ درجه‌ای

¹ Childhood Trauma Questionnaire

² Reflective Functioning Questionnaire (RFQ)

³ Fonagy, Luyten, Moulton, Lee, Warren, Howard, Ghinai, Fearon, Lowyck



است به این صورت که پاسخ کاملاً موافقم ۷، موافقم ۶، تا حدودی موافقم ۵، نه موافقم نه مخالف نمره ۴، تا حدودی ناموافق نمره ۳، ناموافق نمره ۲ و کاملاً ناموافق نمره ۱ تعلق می‌گیرد و سؤالات مربوط به خرده مقیاس عدم اطمینان (۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴) به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. کمترین نمره ۱۴ و بیشترین نمره ۹۸ است.

در این پرسشنامه نمره بالاتر نشان‌دهنده این است که ذهنی‌سازی بالایی دارد. در پژوهش فونانگی و همکاران (۲۰۱۲) ثبات درونی برای مؤلفه اطمینان و عدم اطمینان به ترتیب ۰/۶۳ و ۰/۶۷ در نمونه غیربالینی گزارش کردند، آنها اعتبار آزمون بازآزمون را با فاصله سه هفته ۰/۸۴ برای عدم اطمینان و ۰/۷۵ برای مؤلفه اطمینان گزارش کردند. در پژوهش دروگر، فتحی آشتیانی و اشرفی در سال ۱۳۹۹ پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس اطمینان ۰/۸۸ و برای خرده مقیاس عدم اطمینان ۰/۶۶ گزارش شد.

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی^۱

این پرسشنامه در سال ۱۹۹۰ توسط کولینز و رید^۲ به منظور بررسی سبک‌های دلبستگی در بزرگسالان ساخته شد و در سال ۱۹۹۶ نیز مورد بازبینی قرار گرفت. هدف این پرسشنامه خود ارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خود توصیفی شیوه شکل دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های دلبستگی نزدیک است. پرسشنامه دارای ۱۸ سوال است که جواب هر سوال به صورت طیف لیکرت پنج درجه‌ای از به هیچ وجه با خصوصیات من تطابق ندارد تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد می‌باشد. زیر مقیاس اضطراب با دلبستگی اضطرابی - دوسوگرا مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیک بودن یک بعد دو قطبی است که اساساً توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد بنابراین نزدیک بودن در تطابق با دلبستگی ایمن می‌باشد و زیر مقیاس وابستگی را می‌توان تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی قرار داد. کولینز و رید (۱۹۹۰) نشان دادند که زیر مقیاس‌های نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی در طول ۸ ماه پایدار ماندند و در مورد قابلیت اعتماد مقیاس دلبستگی بزرگسال، کولینز و رید میزان آلفای کرونباخ را برای زیر مقیاس دلبستگی ایمن ۰/۸۲، برای دلبستگی اجتنابی ۰/۸۰ و برای دلبستگی اضطرابی ۰/۸۳ گزارش دادند. از سوی

^۱ Attachment Styles Questionnaire

^۲ Collins and Reid



دیگر در پژوهش پاکدامن (۱۳۸۰) میزان پایایی^۱ آزمون با استفاده از آزمون مجدد نشان داده شد که این در سطح ۰/۹۵ است. با توجه به این که مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۸۰/۰ است آزمون از پایایی بالایی برخوردار میباشد (دروگر و همکاران، ۱۳۹۸)

یافته‌ها

در این بخش داده های جمعیت شناختی و متغیرهای پژوهش توصیف گردیده اند.

جدول ۱- توزیع فراوانی شرکت کنندگان بر حسب جنسیت

جنسیت	تعداد	درصد
پسر	۱۴۱	۳۶/۷
دختر	۲۴۳	۶۳/۳
کل	۳۸۴	۱۰۰

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می شود، ۶۳/۳ درصد شرکت کنندگان دختر و ۳۶/۷ درصد شرکت کنندگان پسر بودند.

جدول ۲- کمینه، بیشینه، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد
راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار	۳۸۴	۱۴	۵۰	۳۱/۰۷	۷/۳۳
نمره کل تنظیم شناختی هیجان	۳۸۴	۲۶	۹۰	۵۴/۱۸	۹/۶۳
۳۸۴	۳۸۴	۵	۲۵	۹/۳۱	۵/۲۴
سوء استفاده فیزیکی	۳۸۴	۵	۲۵	۷/۶۵	۴/۶۲
نمره کل سوء استفاده عاطفی - فیزیکی	۳۸۴	۱۰	۵۰	۱۶/۹۶	۹/۴۴
غفلت عاطفی	۳۸۴	۵	۲۴	۱۰/۶۹	۵/۶۴
غفلت جسمی	۳۸۴	۵	۲۰	۸/۵۶	۴/۴۸
نمره کل غفلت عاطفی - جسمی	۳۸۴	۱۰	۴۴	۱۹/۲۵	۹/۳۵
اطمینان	۳۸۴	۹	۶۳	۴۱/۵	۱۱/۱۵

^۱ Reliability



۷/۲۳	۲۳/۸۸	۳۵	۵	۳۸۴	عدم اطمینان
۱۴/۳۷	۶۴/۹۳	۹۸	۲۱	۳۸۴	نمره کل عملکرد انعکاسی
۳/۳۲	۱۲/۰۳	۲۰	۳	۳۸۴	سبک دلبستگی ایمن
۲/۵۹	۱۲/۲۵	۱۹	۶	۳۸۴	سبک دلبستگی اجتنابی
۶/۴۱	۱۲/۶۸	۲۴	۰	۳۸۴	سبک دلبستگی دوسوگرا
۵/۸۰	۳۶/۹۷	۵۰	۱۶	۳۸۴	نمره کل سبک دلبستگی

جدول ۲ کمینه، بیشینه، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش و زیرمقیاس‌های آنها را نشان می‌دهد.

نظر به اینکه برای آزمون فرضیات پژوهش از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است، قبل از انجام این آزمون‌ها، مفروضه‌های نرمال بودن توزیع داده‌ها، استقلال خطاها و عدم هم خطی متغیرهای پیش بین مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۳- بررسی فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها

متغیر	آماره	معناداری	تورم واریانس	تحمل واریانس	آماره	دوربین	واتسون
	کولموگروف-				اسمیرنف		
تنظیم شناختی هیجان	۰/۰۳۸	۰/۲۰۰					
راهبردهای سازگار	۰/۰۳۱	۰/۲۰۰				۲/۰۱۸	
سوء استفاده عاطفی- فیزیکی	۰/۲۲۲	۰/۰۶۲	۲/۴۵۲	۰/۴۰۸			
غفلت عاطفی- جسمی	۰/۱۳۷	۰/۰۷	۲/۴۳۱	۰/۴۱۱			
عملکرد انعکاسی	۰/۰۳۰	۰/۲۰۰	۱/۵۴۴	۰/۶۴۸			
سبک دلبستگی ایمن	۰/۰۷۵	۰/۰۵۹	۱/۳۹۲	۰/۷۱۹			



سبک دلبستگی اجتنابی	۰/۱۰۵	۰/۲۰۰	۱/۲۰۶	۰/۸۲۹
سبک دلبستگی دوسوگرا	۰/۰۴۹	۰/۰۸۲	۱/۷۴۷	۰/۵۷۲
سبک دلبستگی	۰/۰۴۵	۰/۰۵۹		

جهت بررسی فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنف استفاده شد. همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، کلیه ضرایب معناداری بیشتر از ۰/۰۵ است. بنابراین توزیع متغیرها نرمال است و می‌توان از آزمون‌های مورد نظر استفاده نمود. جهت بررسی مفروضه استقلال خطاها از آزمون دوربین واتسون استفاده شد. همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، از آنجا که مقدار بدست آمده برای متغیر راهبردهای سازگارانه بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار گرفته است، مفروضه استقلال خطاها پذیرفته می‌شود. جهت بررسی مفروضه عدم هم خطی چندگانه از ضرایب تحمل واریانس و تورم واریانس متغیرهای پیش بین استفاده شد. همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود کلیه ضرایب تحمل واریانس بالاتر از ۰/۱ و ضرایب تورم واریانس کمتر از ۱۰ می‌باشند و می‌توان نتیجه گرفت که مفروضه عدم هم خطی چندگانه برقرار است. با توجه به تایید مفروض‌های فوق جهت ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش از همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴- ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱- راهبردهای سازگار		۰/۰۰۹						
۲- سوء استفاده عاطفی- فیزیکی								
۳- غفلت عاطفی- جسمی								
۴- سبک دلبستگی ایمن								
	۱	۰/۸۶۷	۰/۴۹۰	۰/۴۴۱	۰/۱۶۷	۰/۰۰۱		
		۱	۰/۱۲۷	۰/۷۴۴	۰/۲۸۸	۰/۰۰۰		
			۱	۰/۲۹۳	۰/۲۸۸	۰/۰۰۰		
				۱	۰/۲۹۳	۰/۰۰۰		
					۱	۰/۲۹۳		
						۱		
							۱	
								۱



۵-سبک	۰/۲۳۷	۰/۱۱۷	۰/۲۶۹	۰/۲۹۷	۰/۳۳۵	۱
دلبستگی اجتنابی	۰/۰۰۰	۰/۰۲۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	
۶-سبک	۰/۵۴۹	۰/۲۵۹	۰/۵۱۹	۰/۴۷۹	۰/۴۷۰	۱
دلبستگی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	
دوسوگرا						
۷-عملکرد	۰/۳۴۰	۰/۲۶۹	۰/۴۷۶	۰/۴۹۷	۰/۳۷۵	۱
انعکاسی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	

همانطور که در جدول مشاهده می‌شود، راهبردهای سازگارانه با کلیه متغیرهای پیش بین رابطه دارد که سطح معناداری در متغیرهای سوء استفاده عاطفی - فیزیکی و سبک دلبستگی اجتنابی کمتر از ۰/۰۵ و بقیه کمتر از ۰/۰۱ است. همچنین رابطه راهبردهای سازگارانه با متغیرهای سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و عملکرد انعکاسی مستقیم و با سوء استفاده عاطفی - فیزیکی، غفلت عاطفی - جسمی و سبک دلبستگی دوسوگرا معکوس است.

بررسی فرضیه پژوهش

فرضیه اصلی: راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان با سوء استفاده عاطفی - فیزیکی، غفلت عاطفی - جسمی در کودکی، عملکرد انعکاسی سبک های دلبستگی در نوجوانان ارتباط دارد.

برای بررسی این فرضیه از آزمون رگرسیون چند متغیره استفاده شد. نتایج رگرسیون چند متغیره برای راهبردهای سازگارانه در جداول ۵-۷ آمده است.

جدول ۵- خلاصه مدل رگرسیون چند متغیره راهبردهای شناختی هیجان سازگارانه بر اساس سوء استفاده عاطفی -

فیزیکی، غفلت عاطفی - جسمی، عملکرد انعکاسی و سبک های دلبستگی

مقدار بدست آمده	شاخص
۰/۳۸۶	همبستگی چندگانه
۰/۱۴۹	مجذور R
۰/۱۳۵	مجذور R تعدیل شده
۶/۷۸۱۸۲	خطای استاندارد برآورد



ضریب همبستگی چندگانه برابر با $0/386$ بود و مجذور آن $0/149$ بود که نشان می دهد $14/9$ درصد از واریانس راهبردهای سازگاران بر اساس متغیرهای سوء استفاده عاطفی - فیزیکی، غفلت عاطفی - جسمی، عملکرد انعکاسی و سبک های دلبستگی تبیین می گردد. در جدول ۶، نتایج تحلیل واریانس رگرسیون آمده است.

جدول ۶- نتایج واریانس رگرسیون چند متغیره راهبردهای شناختی هیجان سازگاران بر اساس سوء استفاده عاطفی - فیزیکی، غفلت عاطفی - جسمی، عملکرد انعکاسی و سبک های دلبستگی

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۳۰۲۹/۸۵۳	۶	۵۰۴/۹۷۶	۱۰/۹۷۹	۰/۰۰۰
باقی مانده	۱۷۳۳۹/۳۸۳	۳۷۷	۴۵/۹۹۳		
کل	۲۰۳۶۶۹/۲۳۶	۳۸۳			

نتایج نشان می دهد که مقدار F بدست آمده برابر با $10/979$ است که در سطح کوچکتر از $0/01$ معنی دار است. این نشان می دهد که سوء استفاده عاطفی - فیزیکی، غفلت عاطفی - جسمی، عملکرد انعکاسی و سبک های دلبستگی می توانند تغییرات متغیر راهبردهای سازگاران را به خوبی تبیین کنند و نشان دهنده مناسب بودن مدل رگرسیونی ارائه شده است. در جدول ۷، ضرایب استاندارد و غیر استاندارد رگرسیون چند متغیره راهبردهای سازگاران بر اساس سوء استفاده عاطفی - فیزیکی، غفلت عاطفی - جسمی، عملکرد انعکاسی و سبک های دلبستگی آمده است.

جدول ۷- ضرایب رگرسیون چند متغیره رگرسیون چند متغیره راهبردهای شناختی هیجان سازگاران بر اساس سوء استفاده عاطفی - فیزیکی، غفلت عاطفی - جسمی، عملکرد انعکاسی و سبک های دلبستگی

متغیرهای پیش بین	B	خطای استاندارد	ضریب بتا	t	سطح معناداری
ثابت	۳۰/۰۸۱	۳/۵۷۸		۸/۴۰۷	۰/۰۰۰
سوء استفاده عاطفی - فیزیکی	۰/۲۵۳	۰/۰۶۴	۰/۲۹۳	۳/۹۳۸	۰/۰۰۰
غفلت عاطفی - جسمی	-۰/۲۹۱	۰/۰۶۲	-۰/۳۵۰	-۴/۷۱۸	۰/۰۰۰
عملکرد انعکاسی	۰/۰۷۶	۰/۰۳۰	۰/۱۵۰	۲/۵۳۴	۰/۰۱۲

سبک دل‌بستگی ایمن	۰/۰۳۷	۰/۱۲۵	۰/۰۱۷	۰/۳۰۱	۰/۷۶۴
سبک دل‌بستگی اجتنابی	-۰/۰۰۵	۰/۱۵۰	-۰/۰۰۲	-۰/۰۳۳	۰/۹۷۳
سبک دل‌بستگی دوسوگرا	-۰/۱۹۱	۰/۰۷۳	-۰/۱۶۳	-۲/۶۰۲	۰/۰۱۰

نتایج نشان می‌دهد قوی‌ترین متغیر پیش‌بین راهبردهای سازگارانه غفلت عاطفی - جسمی با بتای ۰/۳۵۰- و سپس سوء استفاده عاطفی - فیزیکی با بتای ۰/۲۹۳ است. لذا نتایج نشان می‌دهد که نقش متغیرهای سوء استفاده عاطفی - فیزیکی، غفلت عاطفی - جسمی، عملکرد انعکاسی و سبک دل‌بستگی دوسوگرا در پیش‌بینی راهبردهای سازگارانه، معنی‌دار بود و سبک دل‌بستگی ایمن و اجتنابی معنی‌دار نبود.

جدول ۸- خلاصه مدل رگرسیون چند متغیره راهبردهای شناختی هیجان سازگارانه بر اساس سوء استفاده عاطفی -

فیزیکی، غفلت عاطفی - جسمی، عملکرد انعکاسی و سبک‌های دل‌بستگی

شاخص	مقدار بدست آمده
همبستگی چندگانه	۰/۳۸۶
مجذور R	۰/۱۴۹
مجذور R تعدیل شده	۰/۱۳۵
خطای استاندارد برآورد	۶/۷۸۱۸۲

ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۳۸۶ بود و مجذور آن ۰/۱۴۹ بود که نشان می‌دهد ۱۴/۹ درصد از واریانس راهبردهای سازگارانه بر اساس متغیرهای سوء استفاده عاطفی - فیزیکی، غفلت عاطفی - جسمی، عملکرد انعکاسی و سبک‌های دل‌بستگی تبیین می‌گردد. در جدول ۹ نتایج تحلیل واریانس رگرسیون آمده است.

جدول ۹- نتایج واریانس رگرسیون چند متغیره راهبردهای شناختی هیجان سازگارانه بر اساس سوء استفاده عاطفی -

فیزیکی، غفلت عاطفی - جسمی، عملکرد انعکاسی و سبک‌های دل‌بستگی

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۳۰۲۹/۸۵۳	۶	۵۰۴/۹۷۶	۱۰/۹۷۹	۰/۰۰۰
باقی مانده	۱۷۳۳۹/۳۸۳	۳۷۷	۴۵/۹۹۳		



نتایج نشان می دهد که مقدار F بدست آمده برابر با $۱۰/۹۷۹$ است که در سطح کوچکتر از $۰/۰۱$ معنی دار است. این نشان می دهد که سوء استفاده عاطفی - فیزیکی، غفلت عاطفی - جسمی، عملکرد انعکاسی و سبک های دلبستگی می توانند تغییرات متغیر راهبردهای سازگارانه را به خوبی تبیین کنند و نشان دهنده مناسب بودن مدل رگرسیونی ارائه شده است. در جدول ۱۰، ضرایب استاندارد و غیر استاندارد رگرسیون چند متغیره راهبردهای سازگارانه بر اساس سوء استفاده عاطفی - فیزیکی، غفلت عاطفی - جسمی، عملکرد انعکاسی و سبک های دلبستگی آمده است.

جدول ۱۰: ضرایب رگرسیون چند متغیره رگرسیون چند متغیره راهبردهای شناختی هیجان سازگارانه بر اساس سوء

استفاده عاطفی - فیزیکی، غفلت عاطفی - جسمی، عملکرد انعکاسی و سبک های دلبستگی

متغیرهای پیش بین	B	خطای استاندارد	ضریب بتا	t	سطح معناداری
ثابت	۳۰/۰۸۱	۳/۵۷۸		۸/۴۰۷	۰/۰۰۰
سوء استفاده عاطفی - فیزیکی	۰/۲۵۳	۰/۰۶۴	۰/۲۹۳	۳/۹۳۸	۰/۰۰۰
غفلت عاطفی - جسمی	-۰/۲۹۱	۰/۰۶۲	-۰/۳۵۰	-۴/۷۱۸	۰/۰۰۰
عملکرد انعکاسی	۰/۰۷۶	۰/۰۳۰	۰/۱۵۰	۲/۵۳۴	۰/۰۱۲
سبک دلبستگی ایمن	۰/۰۳۷	۰/۱۲۵	۰/۰۱۷	۰/۳۰۱	۰/۷۶۴
سبک دلبستگی اجتنابی	-۰/۰۰۵	۰/۱۵۰	-۰/۰۰۲	-۰/۰۳۳	۰/۹۷۳
سبک دلبستگی دوسوگرا	-۰/۱۹۱	۰/۰۷۳	-۰/۱۶۳	-۲/۶۰۲	۰/۰۱۰

نتایج نشان می دهد قوی ترین متغیر پیش بین راهبردهای سازگارانه غفلت عاطفی - جسمی با بتای $۰/۳۵۰$ - و سپس سوء استفاده عاطفی - فیزیکی با بتای $۰/۲۹۳$ است. لذا نتایج نشان می دهد که نقش متغیرهای سوء استفاده عاطفی - فیزیکی، غفلت عاطفی - جسمی، عملکرد انعکاسی و سبک دلبستگی دوسوگرا در پیش بینی راهبردهای سازگارانه، معنی دار بود و سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی معنی دار نبود.

نتیجه گیری

فرضیه اصلی پژوهش: راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان با سوء استفاده عاطفی و فیزیکی و غفلت عاطفی و جسمی در کودکی، عملکرد انعکاسی و سبک های دلبستگی در نوجوانان رابطه دارد.



یافته‌ها نشان داد که ۱۴/۹ درصد از واریانس راهبردهای سازگارانه بر اساس متغیرهای سوء استفاده عاطفی - فیزیکی، غفلت عاطفی - جسمی، عملکرد انعکاسی و سبک‌های دلبستگی تبیین می‌گردد. نتایج نشان داد راهبردهای سازگارانه تنظیم شناختی هیجان با سوء استفاده عاطفی - فیزیکی رابطه منفی و معنادار، با غفلت عاطفی - جسمی رابطه منفی و معنادار، با عملکرد انعکاسی رابطه مثبت و معنادار و با سبک دلبستگی دوسوگرا رابطه منفی و معناداری نشان داد و برای سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی رابطه معناداری نداشتند. این نتایج با یافته‌های پژوهش عباسی و همکاران (۱۴۰۰)، غضنفری و همکاران (۱۴۰۱)، زیلان یه (۲۰۲۴)، محمدی (۱۴۰۱)، حسینیان لنگوری سرخی (۱۴۰۲)، کریستین و همکاران (۱۳۹۹)، فیلی (۱۳۹۸)، بوردیل - اسمیت و همکاران (۲۰۱۷)، پارادا - فرناندز و همکاران (۲۰۲۱)، اوزرن (۲۰۲۱) و دهقان حسنی و شریفی (۱۳۹۸) همسو است. در تبیین این نتایج می‌توان گفت داشتن توانایی و مهارت تنظیم هیجان در دوران نوجوانی و بزرگسالی یکی فاکتورهای محافظتی در برابر بروز انواع اختلالات شخصیت و روانی و همچنین متضمن داشتن عملکرد اجتماعی مطلوب در سطح خانواده و جامعه است (۱۷۰). به طور کلی توانمند بودن افراد از نظر هیجانی، روبرو شدن آنها را با چالش‌های زندگی آسان می‌کند و در نتیجه آنها را از سلامت روان بیشتری برخوردار می‌نماید. افراد توانمند از نظر هیجانی احساس‌های خود را تشخیص می‌دهند، مفاهیم ضمن آنها را درک می‌کنند و به گونه مؤثری حالت‌های هیجانی خود را برای دیگران بیان می‌کنند. این افراد در کنار آمدن با تجربه‌های منفی از موفقیت بیشتری برخوردارند و سازگاری مناسب‌تری را در ارتباط با محیط و دیگران نشان می‌دهند. راهبردهای سازگارانه تنظیم شناختی هیجان همچون پذیرش، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت و اتخاذ دیدگاه می‌توانند به افراد کمک کنند تا با ترومای کودکی و تجربه‌های غفلت عاطفی و جسمی و سوء استفاده‌های فیزیکی و عاطفی که در گذشته تجربه کرده‌اند، بهتر برخورد کنند و روابط سالم‌تری با خود و دیگران برقرار کنند این راهبردها همچنین می‌توانند به شخص کمک کنند تا الگوهای ناسازگار و مخرب در خصوص تعاملات اجتماعی و احساسات منفی خود را تغییر دهد و بهبود قابلیت‌های خود شناختی و انعطاف‌پذیری خود را ارتقاء دهد. فردی که دارای توانایی در زمینه عملکرد انعکاسی است در واقع دارای بازنمایی‌های ذهنی سطوح بالاتر و فهم دنیای درون روانی خود و دیگران است که به تبع این موضوع قادر به فهم هیجان‌های خود و دیگری خواهد



بود و در مواجهه با هیجانات منفی و تحمل ناپذیر استراتژی سازگاران و به دور از تکانشگری و رفتارهای خود تخریبی خواهد داشت و در مجموع این نوجوان در اجتماع و روابط عاطفی از سازوکارهای غنی و رسش یافته و انطباقی در تنظیم هیجان استفاده می کند.

محدودیت های پژوهش:

۱. این پژوهش تنها به شهرستان اراک محدود شده است و در تعمیم نتایج آن به مکان های دیگر، باید به تفاوت های فرهنگی و اجتماعی توجه کرد.
۲. پژوهش حاضر دارای چهار متغیر و به تبع چهار پرسشنامه باید تکمیل میشد. لذا ممکن است برخی دانش آموزان به علت طولانی شدن سؤالات با دقت و تمرکز به همه گویه های پرسشنامه پاسخ نداده باشند.
۳. استفاده از روش پرسشنامه، روشی خودگزارش دهی در تحلیل آماری می باشد با محدودیت هایی به لحاظ روان سنجی همراه است؛ زیرا احتمال سوگیری آزمودنی ها در پاسخ دهی وجود دارد. در نتیجه باید در استفاده از تفسیر یافته های پژوهش جوانب احتیاط را رعایت نمود.



پیشنهاد‌های پژوهشی:

۱. تعدد پژوهش‌های فعلی در این حوزه کافی نمی‌باشد، لذا تکرار آن روی جامعه پژوهشی دیگر لازم است تا تعمیم‌پذیری مدل مذکور را بیشتر کند.
۲. در پژوهش‌های آتی بهتر است عوامل مداخله‌گر، مانند مسائل و مشکلات خانوادگی، اقتصادی و تحصیلات والدین نیز به نحوی مورد بررسی قرار گیرد تا نتایجی جامع‌تر و با انسجام بیشتر کسب شود.
۳. پیشنهاد می‌شود محققان بر روی متغیرهای دیگری مانند ذهن آگاهی، طرحواره‌های هیجانی، انعطاف‌پذیری، رابطه والد-فرزند و شفقت بخود که می‌توانند بر تنظیم شناختی هیجان نوجوانان تاثیرگذار باشند، پژوهش انجام دهند.

قدردانی

از استاد گرامی، جناب آقای دکتر بابک پویان‌سب، برای راهنمایی‌های بسیار و بیدریغ که روشن‌گر راهم بود و با همراهی و حمایت بینظیرشان در انجام این پژوهش از محضر علمیشان مستفیض گردانیده‌اند، قدردانی مینمایم.

منابع

- ابراهیمی؛الله، حجت؛دژکام و تقهالاسلام. (۱۳۹۲). تروماهای دوران کودکی و اقدام به خودکشی در بزرگسالی. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۹(۴)، ۲۷۵-۲۸۲.
- اسفندیاری قلعه‌زو و حمیده. (۱۴۰۱). چالش‌های روانشناختی در دوران نوجوانی و راهکارهای مقابله با آنها. مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (موسسه آموزش عالی نگاره)، ۹۵(۵)، ۴۵۵-۴۶۹.
- ایمانی؛الخلیل؛شکری و امید. (۱۳۹۷). رابطه‌ی نگرش‌های ناکارآمد با اضطراب اجتماعی در نوجوانان دانش‌آموز: نقش میانجی‌گر تنظیم هیجان. مطالعات روانشناسی تربیتی، ۱۶(۳۳)، ۱-۲۸.
- حسنلو؛زهراپی؛شقایق؛طاوولی و آزاده. (۱۴۰۱). تجربه‌ی زیسته‌ی نوجوانی در نوجوانان با تأکید بر ظرفیت ذهنی‌سازی: یک مطالعه‌ی کیفی پدیدارشناسی. فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، ۱۴(۳)، ۶۳-۸۲.
- خسروی، صدرالله و پژوهش، زینب. (۱۳۹۶). بررسی رابطه ترومای دوران کودکی با تنظیم شناختی هیجان در افراد اقدام‌کننده به خودکشی دومین کنفرانس ملی روانشناسی و مشاوره، <https://civilica.com/doc/۷۷۰۰۹۲>

- دادفرنیاءفرد، هادیان، حبیب، رحیمی، چنگیز، سیر، افلاک و عبدالعزیز. (۱۳۹۹). تنظیم هیجان و نقش آن در پیش بینی نشانه های افسردگی در دانشجویان. طلوع بهداشت یزد، ۱۹(۱)، ۳۲-۴۷.
- دروگر، آشتیانی، فتحی، اشرفی و عماد. (۱۳۹۸). اعتباریابی و پایایی سنجی نسخه فارسی پرسشنامه ذهنی سازی. روان شناسی بالینی، ۱۲(۱)، ۱-۱۲.
- زرندی، پورسلطانی. (۱۴۰۲). طراحی الگوی سبک دلبستگی با سازگاری اجتماعی دانش آموزان هنرستان های تربیت بدنی استان البرز. اندیشه های نوین در ورزش تربیتی، ۱۱(۱)، ۵۹-۷۲.
- طالبی، وحید، کاشانی، وکیلی و اساسه. (۱۴۰۱). تعیین اثربخشی آموزش ذهنیت رشد بر تنظیم هیجان نوجوانان با مشکلات رفتاری. فصلنامه سلامت روان کودک، ۱۰(۳)، ۴۸-۶۱.
- عاشوری و جمال. (۱۳۹۴). تاثیر درمان شناختی رفتاری بر شادکامی و بلوغ هیجانی نوجوانان پسر. رویش روان شناسی، ۱۵(۵)، ۱۴۷-۱۶۴.
- عباسی، مونا، صابری، هائیده و طاهری. (۱۴۰۰). پیش بینی ادراک درد بر اساس تروما دوران کودکی با میانجی گری تنظیم هیجان در افراد مبتلا به درد مزمن. روانشناسی سلامت، ۱۱(۴۱)، ۷-۲۶.
- محمدعلی، بشارت و سعیده، بزازیان. (۱۳۹۲). بررسی ویژگی های روانسنجی پرسشنامه تنظیم هیجان در نمونه ای از جامعه ایرانی.
- مصباحی، حسینیان، احمدآبادی، اکبری، غفوری و صیادی. (۱۳۹۹). رابطه عملکرد انعکاسی، همدلی و ذهن آگاهی در نوجوانان دختر شهر تهران. توانمندسازی کودکان استثنایی، ۱۱(۴)، ۱۳-۲۴.
- Dogra, Ekta;Kumar, Suresh;Guleri, Namrata و Sharma, Ekta. (2024). Predictors of menstrual health management among the high school adolescent girls. Indian Journal of Community Health ۳۶، (1)، ۴۷-۵۱.
- Fonagy, Peter;Luyten, Patrick;Moulton-Perkins, Alesia;Lee, Ya-Wen;Warren, Fiona;Howard, Susan;Ghinai, Rosanna;Fearon, Pasco و Lowyck, Benedicte. (۲۰۱۶). Development and validation of a self-report measure of mentalizing: The reflective functioning questionnaire. PloS one ۱۱، (7)، e0158678 .
- Hagborg, Johan Melander;Kalin, Torbjörn و Gerdner, Arne. (2022). The Childhood Trauma Questionnaire—Short Form (CTQ-SF) used with adolescents—methodological report from clinical and community samples. Journal of child & adolescent trauma ۱۵، (4)، ۱۱۹۹-۱۲۱۳.
- John, Sufna G;Cisler, Josh M و Sigel, Benjamin A. (2017). Emotion regulation mediates the relationship between a history of child abuse and current PTSD/depression severity in adolescent females. Journal of family violence ۳۲، ۵۶۵-۵۷۵.

- Kristiansen, Vidar Roald;Handeland, Tore Bergby;Lau, Bjørn;Søderstrøm, Kerstin;Håkansson, Ulrika, Øie, Merete Glenne. (2020). Trauma in childhood and adolescence and impaired executive functions are associated with uncertain reflective functioning in mothers with substance use disorder. *Addictive Behaviors Reports* .۱۰۰۲۴۵، ۱۱،
- Rosso, Anna Maria. (2022). Ability emotional intelligence, attachment models, and reflective functioning. *Frontiers in psychology* .۸۶۴۴۴۶، ۱۳،
- Stuhrmann, Lydia Yao;Göbel, Ariane;Bindt, Carola, Mudra, Susanne. (2022). Parental reflective functioning and its association with parenting behaviors in infancy and early childhood: A systematic review. *Frontiers in psychology* .۷۶۵۳۱۲، ۱۳،
- Woźniak-Prus, Małgorzata;Gambin, Małgorzata;Cudo, Andrzej, Sharp, Carla. (2022). Investigation of the factor structure of the Reflective Functioning Questionnaire (RFQ-8): One or two dimensions? *Journal of personality assessment* ۱۰۴، (6) .۷۴۶-۷۳۶،
- Zaorska, Justyna;Kopera, Maciej;Trucco, Elisa M;Suszek, Hubert;Kobyliński, Paweł Jakubczyk, Andrzej. (2020). Childhood trauma, emotion regulation, and pain in individuals with alcohol use disorder. *Frontiers in psychiatry* .۵۵۴۱۵۰، ۱۱،

The Relationship Between Adaptive Emotion Regulation and Emotional and Physical Abuse, Emotional and Physical Neglect in Childhood, Reflective Functioning and Attachment Styles in Adolescents

Fateme Soltani¹ and Babak Pouya Nasab^{*21}

1& 2Department Of Psychology, A.C., Islamic Azad University, Arak, Iran

Abstract

The present study aimed to investigate the relationship between adaptive emotion regulation strategies and emotional and physical abuse and emotional and physical neglect in childhood, reflective functioning, and attachment styles in adolescents. The statistical population of this study consisted of all adolescents studying in Arak schools in the academic year 1402-1403. To collect data, the Garnevsy and Kraij Cognitive Emotion Regulation Strategies Questionnaire (2006), Bernstein et al.'s Childhood Trauma Questionnaire (2003), Fonagy et al.'s Reflective Function Questionnaire (2016), and Collins and Reed's Attachment Styles Questionnaire (1990) were used, and analyzed using Pearson's correlation coefficient and univariate regression. The findings showed that the variables of emotional-physical abuse, emotional-physical neglect, and ambivalent attachment style had a negative and significant relationship with adaptive emotion regulation strategies. Reflective functioning had a positive and significant relationship with adaptive emotion regulation strategies. Secure attachment style showed a non-significant relationship with adaptive strategies. The findings also showed that 14.9% of the variance in adaptive strategies was explained by the variables of emotional-physical abuse, emotional-physical neglect, reflective functioning, and attachment styles, which indicated the appropriateness of the presented regression model. Keywords: Emotion regulation, emotional and physical abuse, and emotional and physical neglect in childhood, reflective functioning, attachment styles.

Keywords: Emotion Regulation, Emotional and Physical Abuse, Emotional and Physical Neglect in Childhood, Reflective Functioning, Attachment Styles.

* Corresponding Author: dr_pouyanasab@iau.ac.ir